



پیش‌ها و پانچ‌ها

پایگاه اطلاع‌رسانی دفتر منصوب‌ها شیخ خیر الانبیا حفظه الله تعالی



موضوع:

عقاید؛ شناخت خلفاء خداوند؛ پیامبران

بسم الله الرحمن الرحيم

پرسش

نویسنده: ساره

تاریخ: ۱۳۹۵/۱۲/۹

لطفاً در مورد داستان نوح در قرآن توضیح دهید. با عقل نمی‌توان آن را درک کرد؛ چرا که اگر کسی ۹۵۰ سال یا بیشتر عمر کند و تشکیل خانواده دهد نسل او چند میلیون نفر می‌شوند. پس چرا نوح سه پسر داشته؟ و در زمانی که متوسط عمر انسان زیر پنجاه سال بوده، بایستی حداقل سی نسل را طی کرده باشد و این فرزندان از کدام همسر او بودند؟ چرا خانواده خودش هم به او ایمان نمی‌آوردند و ...

پاسخ

تاریخ: ۱۳۹۵/۱۲/۱۰

بنا بر صریح سخن خداوند در آیه‌ی ۱۴ سوره‌ی مبارکه‌ی عنکبوت، شکی نیست که نوح علیه السلام دست کم ۹۵۰ سال عمر کرده است و این -بر خلاف پندار شما- با عقل منافاتی ندارد؛ چرا که اولاً عقل از یک سو هیچ حدّ معلوم و ثابتی را برای عمر انسان تعیین نمی‌کند، بلکه آن را تابع برخی متغیرهای درونی و بیرونی می‌شناسد، به نحوی که با تغییر آن‌ها قابل تغییر است و از سوی دیگر خداوند را بر هر کاری از جمله زنده نگاه داشتن یک انسان تا ۹۵۰ سال و حتی بیشتر توانا می‌داند، با توجه به اینکه آن عجیب‌تر از معجزات پیامبران نیست و ثانیاً بنا بر روایات متعدد اسلامی و برخی دیدگاه‌های باستان‌شناسان، متوسط عمر انسان در روزگاران کهن کمتر از ۵۰ سال نبوده، بلکه بسیار بیشتر از عمر او در روزگار ما و گاهی تا ۳۰۰ سال بوده است؛ چنانکه در کتبی با عنوان «الْمُعَمَّرِينَ» (بسیار عمر کنندگان) به این موضوع پرداخته شده است^۱ و ثالثاً محدود بودن فرزندان نوح علیه السلام به سه پسر با نام‌های سام، حام و یافث ثابت نیست؛ زیرا بنا بر روایات مشهور اسلامی، آن سه تنها پسران مؤمن او بودند که از توفان نجات یافتند، ولی ممکن است برای او فرزندان دیگری نیز بوده باشند که ایمان نیاورده یا پیش‌تر از دنیا رفته باشند؛

۱. همچنین، بنگرید به: کمال الدین و تمام النعمة لابن بابویه، ص ۵۲۳ [ما جاء في التعمير]

مانند پسر دیگرش که ایمان نیاورد و در توفان غرق شد؛ چنانکه خداوند فرموده است: ﴿وَهِيَ تَجْرِي بِهِمْ فِي مَوْجٍ كَالْجِبَالِ وَنَادَى نُوحٌ ابْنَهُ وَكَانَ فِي مَعْزِلٍ يَا بُنَيَّ ارْكَبْ مَعَنَا وَلَا تَكُنْ مَعَ الْكَافِرِينَ ۝ قَالَ سَاوِي إِلَىٰ جَبَلٍ يَعْصِمُنِي مِنَ الْمَاءِ ۚ قَالَ لَا عَاصِمَ الْيَوْمَ مِنْ أَمْرِ اللَّهِ إِلَّا مَنْ رَحِمَ ۚ وَخَالَ بَيْنَهُمَا الْمَوْجُ فَكَانَ مِنَ الْمُغْرَقِينَ﴾؛ «و آن (کشتی) آنان را در میان موجی مانند کوه‌ها روان می‌ساخت و نوح پسرش را آواز داد و او در کناری بود، ای پسر! با ما سوار شو و از کافران نباش! گفت به کوهی پناه خواهم برد که من را از آب حفظ کند، گفت: امروز هیچ حفظ‌کننده‌ای از کار خداوند نیست مگر آنکه او رحم کند و میانشان موجی حائل شد و از غرق شدگان گردید» و رابعاً برخورددار شدن نوح علیه السلام از هزاران فرزند در صورتی قابل توقع است که او صدها همسر اختیار کرده باشد، در حالی که از کتاب خداوند جز یک همسر برای او شناخته نمی‌شود و آن نیز مؤمن نبود؛ چنانکه فرموده است: ﴿ضَرَبَ اللَّهُ مَثَلًا لِلَّذِينَ كَفَرُوا امْرَأَتَ نُوحٍ وَامْرَأَتَ لُوطٍ كَانَتَا تَحْتَ عَبْدَيْنِ مِنْ عِبَادِنَا صَالِحَيْنِ فَخَانَتَاهُمَا فَلَمْ يُغْنِنِيَا عَنْهُمَا مِنَ اللَّهِ شَيْئًا وَقِيلَ ادْخُلَا النَّارَ مَعَ الدَّٰخِلِينَ﴾؛ «خداوند برای کسانی که کافر شدند همسر نوح و همسر لوط را مثال می‌زند، تحت دو بنده‌ی صالح از بندگانمان بودند، پس به آن دو خیانت کردند و آن دو چیزی را از خداوند برایشان کفایت نکردند و به آن‌ها گفته شد که به داخل شونندگان به آتش داخل شوید» و خامساً علامه منصور هاشمی خراسانی حفظه الله تعالی در فرازی از نامه‌ی یازدهم خود ضمن تبیین آرمان پیامبران و مخالفت بزرگان سرزمین‌ها با آنان فرموده است: «تا جایی که نوح پیامبر علیه السلام نه‌صد و پنجاه سال فرا خواند و تنها هشتاد تن او را اجابت کردند که هشت تن از آنان خانواده‌ی او بودند» و این به معنای آن است که جز هفتاد و دو تن از مردم و هشت تن از خانواده‌اش به او ایمان نیاوردند؛ چنانکه خداوند فرموده است: ﴿وَمَا آمَنَ مَعَهُ إِلَّا قَلِيلٌ﴾؛ «و با او ایمان نیاوردند مگر اندکی»، ولی این چیز غریبی محسوب نمی‌شود؛ زیرا معلوم است که بیشتر مردم عقل را به کار نمی‌بندند و در حصار جهل، تقلید، اهواء نفسانی، دنیاگرایی، تعصب، تکبر و خرافه‌گرایی محصورند^۱ و خویشاوندان پیامبران نیز از این قاعده مستثنا نبودند، بلکه گاهی ایمان آوردن به پیامبران برایشان دشوارتر بود؛ زیرا با آنان از قبل پیامبری‌شان آشنایی و معاشرت داشتند و به اقتضای عادت و استصحاب گذشته، نمی‌توانستند رسیدن آنان به پیامبری را درک کنند؛ مانند فرعون که با تعجب و استبعاد به موسی علیه السلام گفت: ﴿أَلَمْ نُرَبِّكَ فِينَا وَلِيدًا وَلَبِثْتَ فِينَا مِنْ عُمُرِكَ سِنِينَ﴾؛ «آیا ما تو را از کودکی در میان خود پرورش ندادیم و سال‌هایی از عمرت را در میانمان نماندی؟!». از این رو است که سنایی غزنوی -به درستی- قضاوت درباره‌ی اشخاص و افکار بر مبنای «رد و قبول عامه» را نادرست دانسته و با صراحت لهجه سروده است:

۱. هود/ ۴۲ و ۴۳

۲. التحریم/ ۱۰

۳. هود/ ۴۰

۴. در این باره بنگرید به: کتاب «بازگشت به اسلام» بخش یکم.

۵. الشعراء/ ۱۸

از پی ردّ و قبول عامّه خود را خر مکن
زان که کار عامّه نبود جز خری یا خر خری
گاو را دارند باور در خدایی عامیان
نوح را باور ندارند از پی پیغمبری!



پایگاه اطلاع رسانی دفتر منصوبه‌هاشی خراسانی
جیش با بحکومتی بر سرش



www.alkhorasani.com

پایگاه اطلاع رسانی دفتر منصوبه‌هاشی خراسانی حفظه الله تعالى



* لطفاً بر روی لینک مورد نظر خود کلیک کنید.

صفحه توییتر پایگاه

صفحه اینستاگرام پایگاه

صفحه تلگرام پایگاه

صفحه فیسبوک پایگاه

لینک مطلب مورد نظر